

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز تعریف شما از دین چیست؟ با توجه به این که دین وحدت حقیقی ندارد و وحدت آن اعتباری است. آیا می توان دین را به وسیله عوارض ذاتیه تعریف کرد یا باید به راه های تعریف به وسیله غایت یا تعریف به وسیله روش شناسی مراجعه کرد؟ همچنین توضیحی در رابطه تعریف به وسیله علل اربعه (فاعلی، غایی، صوری، ...) بفرمایید. که ارسطو نیز در باره ی این تعریف در کتاب ((درباره ی نفس)) نکات جالبی فرموده است. بنده در حال فراهم کردن مقدمات ازواج هستم اگر میشود برایم دعا کنید. در ضمن بنده تهران هستم برای توفیق پیدا کردن برای دیدن حضوری شما هم دعا کنید. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: وقتی متوجه هستیم هرآنچه به صورت وَحی بر قلب مبارک رسول خدا «صلوٰة الله علیه وآله» نازل می شود ریشه در اُمُّ الکتاب دارد و منشأ آن یک حقیقت نفس الامری است نمی توانیم وحدت آن را اعتباری بدانیم بلکه کثرتی است که عین وحدت است در عین حال اشکال پیش نمی آید که از طریق عوارض ذاتیه ی آن متوجه حقیقت آن شویم. به تعبیر علامه طباطبایی «رحمة الله علیه» دین الهی از توحید شروع می شود و به عقاید و اخلاق و احکام تقسیم می گردد و باز از طریق همان عقاید و اخلاق و احکام به توحید رجوع داده می شود. به همین جهت می توان دین را با نظر به غایتی که دارد □ که همان توحید است - تعریف نمود و معلوم است در این رابطه روش دین نیز نظر به غایت خود دارد. با این توضیح می توانید علل اربعه ی آن را تبیین بفرمایید و علل فاعلی آن را ربوبیت خداوند در نظر بگیرید و علت صوری آن را احکام الهی بدانید. موفق باشید